

رئیس جمهوری برای حضور در دو نشست «اجلاس سران محیط زیست خزر»

و اجلاس سران کشورهای «مستقل مشترک المنافع» راهی ترکمنستان می شود

فرصت سازی برای همکاری در آسیای مرکزی

گزارش

مسعود پرتشکیان، رئیس جمهوری در حالی راهی «آوازه» ترکمنستان می شود که این سفر در نقطه تلاقی دو مسیر متفاوت اما به هم پیوسته از همکاری های منطقه ای قرار گرفته است؛ مسیری که در اولین ایستگاه با مسأله حفاظت از محیط زیست دریای خزر و بحران های زیست محیطی این پهنه مشترک آغاز می شود و در ادامه با ورود به نشست سران کشورهای مستقل مشترک المنافع، دامنه آن از محیط زیست و منابع طبیعی به مناسبات سیاسی، امنیتی، اقتصادی، انرژی و ترانزیت در گستردهای فراتر از مرزهای پنج کشور ساحلی خزر امتداد پیدا می کند.

از همین منظر، هر دو نشست، اگرچه در ظاهر دستورکارهای متفاوتی دارند اما در ابادی وسیع تر به مسأله ای مشترک بازمی گردند و آن، ضرورت بازتعریف سازوکارهای همکاری میان کشورهای است که بخشی از منافع و امنیت آنها در جغرافیای به هم پیوسته پیرامون ایران شکل می گیرد. نخستین بخش این رایزنی ها روز پنجشنبه، هشتم اکتبر در اجلاس سران محیط زیست خزر رقم خواهد خورد که با حضور سران ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان برگزار می شود و قرار است در آن، چالش های رو به گسترش این پهنه آبی و راه های تقویت همکاری های پنج جانبه برای صیانت از اکوسیستم خزر مورد بررسی قرار گیرد.

در این میان، کاهش مستمر سطح آب دریای خزر به یکی از مهم ترین محورهای گفت وگوها تبدیل شده است؛ موضوعی که پیامدهای آن می تواند بر اقتصاد، کشتیرانی، معیشت جوامع ساحلی و حتی مناسبات میان کشورهای پیرامون این دریا اثر بگذارد و به همین دلیل، ضرورت هماهنگی منطقه ای درباره آینده این پهنه آبی را برسته تر کند.

اما پایان این رایزنی ها با خزر رقم نمی خورد و پرتشکیان روز جمعه، در دومین بخش از برنامه سفر خود، در جمع سران کشورهای مستقل مشترک المنافع قرار می گیرد؛ نشستی که اهمیت آن رارای تهران از آن جهت است که رئیس جمهوری ایران فرصت خواهد داشت دیدگاه های کشور را

درباره مسائل منطقه ای در جمع مجموعه ای از کشورهای مطرح کند که هر یک به نحوی در شبکه مناسبات انرژی، تجارت و مسیره های ترانزیتی پیرامون ایران نقش دارند. به گفته اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، پرتشکیان در این اجلاس به عنوان میهمان ویژه و سخنران حضور خواهد داشت و موضوعی را مطرح خواهد کرد که می تواند به بستری برای طرح اولویت های ایران در منظومه ای از همکاری های اوراسیایی تبدیل شود که در آن، محیط زیست خزر، امنیت منطقه ای، انرژی و ترانزیت، ازلاع یک معادله گسترده تر از منافع مشترک منطقه ای هستند.

دیپلماسی خزر

در چنین چارچوبی، نشست روز پنجشنبه سران کشورهای ساحلی خزر در «آوازه» تلاشی برای یافتن زبان مشترکی در برابر مسأله ای است که به تدریج از یک هشدار زیست محیطی به یک دغدغه چندوجهی برای کشورهای پیرامون خزر تبدیل شده است؛ روند کاهش سطح آب که آثار آن تنها در عقب نشینی تدریجی خط ساحلی متوقف نمی ماند و می تواند زنجیره ای از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را به دنبال داشته باشد، از همین رو نیز قرار است بخش قابل توجهی از رایزنی سران بر ضرورت شناخت دقیق تر ابعاد این تغییر و رسیدن به سازوکارهایی برای مواجه هماهنگ با آن متمرکز شود. اهمیت این رویکرد از آنجا ناشی می شود که خزر، برخلاف بسیاری از پهنه های آبی مشترک، یک اکوسیستم منفرد اما درهم تنیده است و هرگونه تغییر پایدار در وضعیت آن، به ناچار آثار خود را در جغرافیای چند کشور ساحلی بازتولید می کند؛ تراز آن و سنجش پیامدهای این روند، بدون تبادل داده و هم افزایی ظرفیت های علمی کشورهای ساحلی، تصویری ناقص از واقعیت پیش روی این دریا به دست خواهد داد و به همین دلیل، توسعه همکاری های پژوهشی، اشتراک گذاری اطلاعات و تقویت شبکه های مشترک پایش از جمله محورهایی است که در این نشست مورد توجه قرار می گیرد. این ضرورت در شرایطی مطرح می شود که مسأله خزر تنها به میزان آب آن محدود نیست و مجموعه ای از تهدیدهای همزمان، از آلودگی های



ایران اولین کشوری است که به عنوان میهمان ویژه در اجلاس سران کشورهای

«مستقل مشترک المنافع» حضور می یابد و مشارکت پرتشکیان در این اجلاس، برای امکان را فراهم می کند که در جایگاهی متفاوت از یک عضو سازمانی

اما در متن گفت وگویی که مستقیماً با منافع ایران ارتباط دارد، دیدگاه خود را درباره مناسبات منطقه ای، همکاری های چند جانبه و ضرورت های امنیت و توسعه مطرح کند

حضور پررنگ در جمع سران کشورهای مستقل مشترک المنافع

یک روز پس از نشست خزر، اجلاس سران



طور مستقیم یا غیرمستقیم به منافع تهران گره بخورد. به خصوص آنکه کشورهای آسیای مرکزی در سال های اخیر، همزمان با افزایش اهمیت ژئوپلیکی این منطقه، درصد تنوع بخشی به مسیرهای تجارت خارجی خود برآمده اند و دیگر نمی خواهند دسترسی شان به بازارهای جهانی در گرو یک مسیر یا یک مبدأ جغرافیایی باقی بماند. ایران می تواند در صورت تکمیل حلقه های زیرساختی لازم، یکی از طبیعی ترین مسیرهای اتصال این کشورها به آب های آزاد و بازارهای جنوب باشد؛ ظرفیتی که از کریدور شمال، جنوب و شبکه ریلی و جاده ای متصل به ترکمنستان و قزاقستان آغاز می شود و تا بنادر جنوبی، خلیج فارس و دریای عمان امتداد پیدا می کند. بنابراین آنچه در آوازه در برابر تهران قرار می گیرد، تصویری از یک منظومه به هم پیوسته است که در آن ترانزیت، انرژی، تجارت، آب، محیط زیست و امنیت، اجزای جدا افتاده یک سیاست منطقه ای نیستند، بلکه حلقه های یک زنجیره واحد محسوب می شوند که می تواند رویکرد همسایگی و نگاه به شرق ایران را از سطح شعارهای سیاست خارجی به عرصه آزمون عملی و چند جانبه آن منتقل کند.



رایزنی تهران و مسکو در سایه بحران غرب آسیا

در کنار رایزنی های چند جانبه، دیدار دوجانبه مسعود پرتشکیان و ولادیمیر پوتین نیز در برنامه سفر رؤسای جمهوری ایران و روسیه قرار دارد؛ دیداری که روز جمعه و پس از پایان برنامه های ۹ اکتبر در ترکمنستان برگزار خواهد شد. اهمیت این دیدار از آن جهت است که رایزنی تهران و مسکو در شرایطی انجام می شود که تحولات غرب آسیا در سطح منطقه ای و بین المللی با حساسیت دنبال می شود و هماهنگی و تبادل نظر میان دو کشور درباره این تحولات، در کنار پیگیری مناسبات دوجانبه، از محورهای مهم این دیدار خواهد بود.



مکمل مذاکرات چند جانبه باشد و مسائل مشخصی همچون تجارت، ترانزیت، انرژی، سرمایه گذاری، حمل و نقل و همکاری های منطقه ای را وارد مرحله عملیاتی کند. اهمیت چنین دیدارهایی در آن است که توافق های کلی در نشست های چند جانبه می توانند از طریق مذاکرات دوجانبه به پروژه ها و تعهدات مشخص تبدیل شوند. از این منظر، یکی از الزامات اصلی موفقیت حضور ایران در آوازه، برخورداری از یک دستورکار عملیاتی است. نتیجه مطلوب آن است که مباحث سیاسی و دیپلماتیک اجلاس به مجموعه ای از پروژه های مشخص و قابل سنجش منجر شود؛ پروژه هایی در حوزه توسعه مسیرهای ریلی و جاده ای، تسهیل تجارت و گمرک، افزایش ظرفیت ترانزیت، توسعه همکاری های دریایی و بندری، سوآپ انرژی، همکاری های زیست محیطی و افزایش تعامل میان بخش های خصوصی. در واقع، یکی از مهم ترین تغییرات مورد نیاز در رویکرد منطقه ای ایران، حرکت از «دیپلماسی گفت وگو محور» به سمت «دیپلماسی پروژه محور» است. گفت وگو و تقاهم سیاسی زمانی می تواند اثر پایدار ایجاد کند که به قرارداد، سرمایه گذاری، زیرساخت، مسیر حمل و نقل، مبادله انرژی یا سازوکار همکاری مستمر تبدیل شود. این تغییر رویکرد می تواند به افزایش وزن اقتصادی ایران در منطقه و در نتیجه تقویت قدرت چانه زنی سیاسی کشور منجر شود.

محیط زیست، اقتصاد و توسعه پایدار منطقه را مورد توجه قرار دهد. در صورت شکل گیری چنین شبکه ای، ایران می تواند همزمان در سایه جایی کالا و انرژی نقش آفرینی کند و از موقعیت جغرافیایی خود برای ایجاد مجموعه ای از منافع متقابل با کشورهای منطقه بهره برد. این نوع وابستگی متقابل اقتصادی می تواند پشتوانه ای برای ثبات و استمرار روابط سیاسی نیز ایجاد کند. در کنار ترانزیت و انرژی، دریای خزر یکی دیگر از محورهای مهم این مجموعه نشست هاست. خزر دیگر صرفاً یک موضوع دریایی یا زیست محیطی نیست، بلکه به حوزه ای تبدیل شده که مسائل محیط زیست، اقتصاد، حمل و نقل، امنیت و همکاری های منطقه ای در آن به یکدیگر پیوند خورده اند. کاهش سطح آب، آلودگی، تهدیدهای مرتبط با تنوع زیستی و آثار این تحولات بر بنادر و فعالیت های اقتصادی، منافع مشترک پنج کشور ساحلی را تحت تأثیر قرار داده است. از این منظر، دیپلماسی محیط زیستی می تواند به یکی از عرصه های مؤثر همکاری منطقه ای تبدیل شود. اهمیت این رویکرد در آن است که همکاری های محیط زیستی، برخلاف بسیاری از موضوعات سیاسی و امنیتی، زمینه مناسبی برای ایجاد اعتماد و گفت وگو مستقیم میان کشورهای ساحلی فراهم می کند. ایران می تواند با ارائه پیشنهاد های عملی و مبتنی بر همکاری علمی، نقش فعال تری در شکل دهی به سازوکارهای منطقه ای حفاظت از خزر ایفا کند و در عین حال پیوند میان

حلقه های ریلی و جاده ای، توسعه ظرفیت بنادر، تسهیل تشریفات گمرکی، هماهنگی مقررات حمل و نقل و ایجاد سازوکارهای دیجیتال برای تسریع عبور کالا استفاده کند. در کنار موضوع ترانزیت، انرژی نیز یکی از مهم ترین حوزه های ظرفیت ساز در روابط ایران با کشورهای اوراسیاست. ایران موقعیتی قرار دارد که می تواند در شبکه مبادلات انرژی منطقه، از جمله تجارت و سوآپ نفت و گاز و همکاری های برق، نقش فعال تری ایفا کند. پیوند دادن ظرفیت های انرژی ایران، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی می تواند زمینه ساز شکل گیری ترتیبات جدیدی در بازار انرژی منطقه باشد. از این منظر، اجلاس آوازه فرصتی برای تقویت دیپلماسی انرژی و تبدیل توافقات کلی به پروژه های عملیاتی است. پیوند دادن همکاری های انرژی با همکاری های ترانزیتی می تواند اهمیت بیشتری پیدا کند. در صورت شکل گیری چنین شبکه ای، ایران می تواند همزمان در سایه جایی کالا و انرژی نقش آفرینی کند و از موقعیت جغرافیایی خود برای ایجاد مجموعه ای از منافع متقابل با کشورهای منطقه بهره برد. این نوع وابستگی متقابل اقتصادی می تواند پشتوانه ای برای ثبات و استمرار روابط سیاسی نیز ایجاد کند. در کنار ترانزیت و انرژی، دریای خزر یکی دیگر از محورهای مهم این مجموعه نشست هاست. خزر دیگر صرفاً یک موضوع دریایی یا زیست محیطی نیست، بلکه به حوزه ای تبدیل شده که مسائل محیط زیست، اقتصاد، حمل و نقل، امنیت و همکاری های منطقه ای در آن به یکدیگر پیوند خورده اند. کاهش سطح آب، آلودگی، تهدیدهای مرتبط با تنوع زیستی و آثار این تحولات بر بنادر و فعالیت های اقتصادی، منافع مشترک پنج کشور ساحلی را تحت تأثیر قرار داده است. از این منظر، دیپلماسی محیط زیستی می تواند به یکی از عرصه های مؤثر همکاری منطقه ای تبدیل شود. اهمیت این رویکرد در آن است که همکاری های محیط زیستی، برخلاف بسیاری از موضوعات سیاسی و امنیتی، زمینه مناسبی برای ایجاد اعتماد و گفت وگو مستقیم میان کشورهای ساحلی فراهم می کند. ایران می تواند با ارائه پیشنهاد های عملی و مبتنی بر همکاری علمی، نقش فعال تری در شکل دهی به سازوکارهای منطقه ای حفاظت از خزر ایفا کند و در عین حال پیوند میان



مسأله اصلی برای ایران دیگر اثاثات اهمیت موقعیت جغرافیایی کشور نیست؛ این مزیت برای بازیگران منطقه ای روشن است. مسأله اساسی، تبدیل این مزیت جغرافیایی به منافع اقتصادی و سیاسی پایدار و ایجاد شبکه ای از وابستگی های متقابل است که سایر کشورهای حفظ و توسعه آن ذی نفع باشند

برای متنوع سازی مسیرهای تجاری، موجب شده است موقعیت جغرافیایی کشورها زمانی به یک مزیت واقعی تبدیل شود که با زیرساخت، شبکه حمل و نقل و همکاری های اقتصادی پایدار همراه باشد.

جمهوری اسلامی ایران از این منظر دارای یک مزیت منحصربه فرد است. ایران می تواند آسیای مرکزی، روسیه و قفقاز را از طریق شبکه های زمینی و ریلی به آب های آزاد متصل کند و همزمان از طریق خلیج فارس و دریای عمان به مسیرهای اصلی تجارت جهانی دسترسی داشته باشد. با این حال، صرف برخورداری از این موقعیت جغرافیایی برای ایجاد مزیت اقتصادی کافی نیست. مسأله اساسی، تبدیل این موقعیت به شبکه ای از زیرساخت ها، خدمات لجستیکی، قراردادهای تجاری و وابستگی های متقابل اقتصادی است. در این چارچوب، کریدور بین المللی شمال- جنوب از اهمیت ویژه ای برخوردار است. توسعه کریدورهای شمال- جنوب و شرق- غرب، افزایش همکاری های حمل و نقل، انرژی، تجارت و سرمایه گذاری از جمله موضوعاتی است که در برنامه های همکاری اقتصادی منطقه ای نیز مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این روند برای ایران در آن است که رقابت بر سر مسیرهای تجاری اوراسیا دیگر صرفاً رقابت برای ایجاد یک خط ارتباطی جدید نیست؛ بلکه رقابت بر سر سرعت، هزینه، امنیت و قابلیت اطمینان شبکه های حمل و نقل است.

از این رو، هدف ایران نباید صرفاً افزایش میزان عبور کالا از قلمرو کشور باشد. رویکرد راهبردی تر، تبدیل ایران از یک «مسیر ترانزیتی» به یک «مرکز لجستیکی» است؛ مرکزی که علاوه بر عبور کالا، خدمات انبارداری، پردازش، توزیع، خدمات گمرکی و اتصال میان شیوه های مختلف حمل و نقل را نیز ارائه کند. چنین رویکردی می تواند ارزش افزوده ترانزیت را افزایش دهد و جایگاه ایران را از یک مسیر عبوری به یک بازیگر مؤثر در زنجیره های تأمین منطقه ای ارتقا دهد. از سوی دیگر، اهمیت این موضوع صرفاً به درآمد های حاصل از ترانزیت محدود نمی شود. افزایش استفاده از مسیرهای عبوری ایران می تواند وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه به زیرساخت های ایران را افزایش دهد و به تقویت جایگاه کشور در معادلات ژئوپلیتیکی منجر شود. از این رو، تهران می تواند از فرصت اجلاس برای تأکید بر ضرورت تکمیل